

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۳ جنوری ۲۰۱۹

"سیرش ندیدم که سفرش پیش آمد"

شنبه- ۲۲ جدی ۱۳۹۷ - کابل: وقتی "غنی احمدزی" به صورت غیر مترقبه و به دور از انتظار، نورچشمی ها و شرکای جنایاتش و زرای دفاع و داخله یعنی بهرامی و برمک را دور انداخت و به جایش دو تن از منتقدانش یعنی اسدالله خالد و امرالله صالح را مقرر نمود، کمتر کسی فکر می نمود که آنها حتا قبل از گرفتن رأی اعتماد از پارلمان دولت دست نشانده، چنان آماج حملات مخالفان شان قرار گیرند که رأی اعتماد به شاخ آهو مشابهت بیابد. در این میان جنجالهای "صالح" با زورمندان پنجشیری به خصوص آنهایی که با باند خودش و "عبدالله" همکار نیستند چنان بالا گرفت که فردی به نام وحید خراسانی رسماً با آنها اعلان جنگ داده در داخل شهر کابل، منطقه مستقل خویش را اعلام داشت.

و اما به ارتباط اسدالله خالد که تلاش می ورزید تا حدودی به نیروهای نظامی و اردوی دولت دست نشانده روحیه بدهد و از لحاظ روانی آنها را آماده رویارویی با طالب بسازد، طی این چند روز چیز زیادی شنیده نمی شد، تا این که امروز نهادی به نام "سازمان دیده بان حقوق بشر" که فکر می کنم مانند تمام سازمانهای مشابه مرکز آن می باید در لندن باشد و از آخور "MI6" ارتزاق نماید، ضمن یک اعلامیه رسمی وی را به "نقض حقوق بشر و جنایات جنگی و آزار جنسی" متهم نموده از دولتهای غربی خواست که به علاوه مصادره اموال و دارائی های وی، خودش را نیز زیر تعقیب قضائی قرار داده و مانع مسافرتش به کشور های اروپائی و امریکائی بگردند. شنیدن چنین خبری گذشته از این که عنوان مطلب را در مغز انسان بار بار تداعی می نماید، مبین آن است که نهاد های استخباراتی و یا همکار با استخبارات امپریالیستی برای تدوام کنترل شان بر مستعمرات، تلاش نموده و می نمایند تا از افراد بومی ساکنان مستعمرات به خصوص آنهایی که از کاسه آنها ارتزاق نموده همیشه سند و یا اسناد جمع و در اختیار داشته باشند تا اگر آن فرد بخواهد کدام زمانی علیه، استعمارگر گردن فزای نماید، با افشای آن اسناد، برپادی اش را رقم بزنند.

ما در کشور خود، تحال شاهد اسنادی بودیم که استخبارات امپریالیستی از جنایات مشترک شان با دوستم در جریان حملات ۲۰۰۱ امپریالیسم امریکا بر افغانستان و جنایاتی که در دشت لیلی به وسیله عمال دوستم زیر نظر "سیا" صورت گرفت، پرده برداشتند و آنهم زمانی که دوستم بنای نافرمانی از "غنی احمدزی" را گذاشت. مورد "اسدالله خالد" که هنوز بر چوکی اش تکیه زده، نمایانگر آن است که:

۱- استخبارات انگلیس، شکست در جنگی را که "سیا" شروع کرده و در یک ضربت بعد از "حنیف اتمر"، دو مهره دیگرش را از کرسی های وزارت دفاع و وزارت داخله بیرون انداخته، حاضر نیست به آسانی بپذیرد، از همین رو دستش را به خورجین داشته های شان فرو برده، اندکی از سوابق جنایات "اسدالله خالد" را بیرون نموده اند، تا باشد که وی حد و اندازه اش را شناخته، پایش را گلیمش بیشتر دراز نکند.

۲- این ادعا به مانند شمشیر داموکلس و یا بهتر است نوشت "سوراخ ایشچی" جدیدیست که اسدالله خالد در هر حرکتی باید متوجه باشد تا از آن سوراخ گزیده نشود، یعنی چیزی را که ادعا می نمود که گویا مستقل است و از کسی ترس ندارد سوراخ ایشچی جدید وی را وادار می سازد تا بیشتر از این "کلانکاری" نکند.

۳- این حمله نشان داد که حامیان طالب تنها چند جنرال و یا ملای پاکستانی و ایرانی نیست بلکه حامیان آنها یک زنجیر به هم پیوسته از مقامات، نهاد ها و دولتهائی ترکیب یافته که هر یک در موقع خاصی دست کمک به طرف آنها دراز می نماید. چنانچه اینک دست حامیان طالب از آستین به اصطلاح "سازمان دیده بان حقوق بشر" بیرون شد. با در نظر داشت ادعا های این سازمان و "اسدالله خالد" را در ردیف "دوستم" قرار دادن، هر چند امکان دارد وی رأی اعتماد بگیرد، مگر این که کاری از وی ساخته باشد، نباید انتظاری داشت.

دیده شود چه می شود!